

طلاق و راهکارهای مدیریت کاهش آن از منظر فقهی و حقوقی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۹/۱۸)

کلثوم موسوی شهنشاهیوند^۱

فروزان رضایی

چکیده

با توجه به افزایش آمار طلاق، رسیدگی به این موضوع یک امر ضروری است؛ زیرا عوارض ناشی از طلاق گریبانگیر جامعه خواهد شد و تبعات منفی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. موضوع طلاق از زوایای مختلفی قابل بررسی است، ولی بررسی جنبه‌های حقوقی و فقهی آن می‌تواند نقش موثری در مدیریت کاهش طلاق داشته باشد. مباحثی نظیر قوانین طلاق، بررسی خلاءهای قانونی و فقهی طلاق، بررسی کارآمدی شوراهای حل اختلاف و داوری‌ها در موضوع طلاق و مباحثی از این دست اهمیت رسیدگی به این موضوع را آشکارتر می‌کند. از این رو پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از کتابخانه‌های تخصصی فقهی-حقوقی و نرم‌افزارهای علوم اسلامی، به دنبال پاسخگویی به این سوال است که با توجه به دیدگاه‌های فقهی و حقوقی، راهکارهای مدیریت کاهش طلاق کدامند؟ پس از بررسی مسائل مذکور در این رساله، به این مهم، دست می‌یابیم که قانونگذار ما با تصویب قوانین سخت، گام‌هایی را در جهت جلوگیری از طلاق و حفظ بنیان خانواده برداشته است. از منظر فقهی و حقوقی جهت مدیریت کاهش طلاق، سازوکارهای خاصی تدارک دیده شده و قوانین و مقررات ازدواج و طلاق به گونه‌ای پیش‌بینی شده است، لذا، یکی از پایه‌های مهم تمدن اسلامی از منظر فقهی و حقوقی در کاهش امر طلاق نقش و جایگاه خانواده است، که به عنوان مهد پرورش انسان‌های با فضیلت و کانون مهر و محبت توأم با عفاف و پاکدامنی است. توجه به نقش خویشان و خانواده به عنوان حکم نیز قابل تأمل است؛ وجود حکم به عنوان داوری دلسوز که با در نظر گرفتن مصلحت زوجین سعی در برقراری صلح و آشتی در زندگی

زناشویی را دارد به دلیل اینکه معمولاً خانواده از گذشته زوجین باخبرند و نسبت به آینده آنان نگران و دغدغه‌مند، معمولاً رهنمودهایشان مبتنی بر اطلاعات کافی و رعایت مصلحت زوجین است. سبک زندگی اسلامی تأثیر مفید و بهتری در مدیریت کاهش طلاق و از هم پاشیدگی بنیاد خانواده دارد ولی سبک زندگی مدرن آمار طلاق را افزایش داده و منجر به نابودی شخصیت اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

واژگان کلیدی: طلاق، مدیریت کاهش طلاق، خانواده، سبک زندگی اسلامی

مقدمه

استحکام خانواده و حفظ بنیان آن، همواره از عوامل مورد توجه در جوامع مختلف بوده است؛ خانواده به عنوان اولین پایگاهی که فرزندان در آن چشم به جهان می‌گشایند و زن و مرد در آن پیوندی عمیق با یکدیگر می‌بندند (عاملی، ۳۸۷، ص ۹۸)، باید محل آرامش و تسکین باشد، زیرا از همین خانواده است که افرادی تربیت می‌شوند و در بطن جامعه وارد میشوند و مسئولیت‌های مختلفی را در اجتماع بر عهده می‌گیرند (زاهدی، ۱۳۹۶، ص ۵۷). به تعبیر دقیق می‌توان گفت، پایداری خانواده یعنی پایداری جامعه (نقیبی، ۱۳۹۰، ص ۸۱). اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی، رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۴۵). واقعیت این است که در فرآیند چرخه‌ی زندگی خانواده مسائل و مشکلاتی بوجود می‌آید که آرامش آن را هرچند برای مدت کوتاهی سلب می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). گاهی حل نشدن این مسائل و مشکلات، رابطه زناشویی را به سوی بحران طلاق سوق می‌دهد. باید توجه داشت که خانواده از لحاظ ساختار، دارای نظام عاطفی پیچیده‌ای است که می‌تواند دست کم سه یا چهار نسل را در بر گیرد (نقیبی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). طلاق این پیچیدگی عاطفی را بیشتر می‌کند. طلاق در لغت جدا شدن زن و مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است (شیخ طوسی، بی‌تا، ص ۶۹). طلاق یکی از بحران‌های مهم زندگی می‌باشد و دارای زوایای پیدا و پنهانی است که تمامی جوانب مختلف جامعه انسانی را دربرمی‌گیرد (دیانی، ۱۳۷۹، ص ۶۹). طلاق پدیده‌ای

جهانی است و اکنون در چرخه زندگی زناشویی بسیار رایج است (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۷). طلاق که محصول ازدواج‌های ناموفق بوده و دارای پیامدهای ناگوار اجتماعی می‌باشد، در روایات به عنوان یک عمل بسیار منفی و دارای کراهت شدید معرفی شده است، بنابراین، برای مقابله با این معضل نامبارک ابتدا باید شاخصه‌های افزایش این پدیده مورد بررسی قرار گرفته و برای حل آنها راهکارهایی ارائه شود. از منظر فقهی و حقوقی جهت مقابله با طلاق و کاهش دادن آن سازوکارهای خاصی تدارک دیده شده و قوانین و مقررات ازدواج و طلاق به گونه‌ای پیش‌بینی شده که به طور خودکار راهکارهایی جهت جلوگیری از پدیده شوم طلاق می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده، همچنین از آنجایی که تاکنون در کشور پژوهشی که به بررسی طلاق و راهکارهای مدیریت کاهش آن از منظر فقهی و حقوقی پرداخته نشده است. بنابراین محقق در این پژوهش به دنبال پر کردن خلاء پژوهشی در این راستا است. بنابراین هدف اصلی پژوهش، شناسایی راهکارهای مدیریت کاهش طلاق از منظر فقهی و حقوقی می‌باشد.

بخش اول: بررسی پیشینه پژوهش

❖ نورمنش (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی «طلاق در فقه و حقوق ایران» پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داد که خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی است و تحول آن بر اجتماع نیز تاثیر گذار است لذا باید مورد توجه خاص حکومت‌ها قرار گیرد چرا که پیامدهای آن بردیگر حوزه‌های اجتماع نمود پیدا می‌کند با توجه به اینکه امروزه در جامعه مدرن مسئله طلاق در میان خانواده ها بسیار موضوعیت پیدا کرده و آمارها نشان دهنده افزایش مخاطبان آن در جامعه است قوانین منطقی و مطالعات فراوانی را می‌طلبد تا مصالح خانواده تنظیم و از آمار رو به ازدیاد طلاق کاسته شود. لذا از اهداف این نوشتار تبیین اختیار زوج در طلاق و محدودیت‌های وی در این امر و نیز تبیین مبنای فقهی حقوقی طلاق به اختیار زوج و بررسی چالش‌ها و فرایندهای حقوقی آن از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه می‌باشد، که با بهره‌گیری و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و بکارگیری رهیافت تحلیلی-توصیفی، مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است و ضمن این نوشتار دریافته‌یم این قوانین

گرچه نوآوری‌هایی برای زنان و حقوق از دست رفته آنان داشته، اما بیشتر در حوزه حقوقی نوآوری داشته و تأثیری در رفع این معضل نداشته گرچه هدف قانون حفظ مصالح خانواده است.

❖ گودرزی (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود به بررسی «راهکارهای حقوقی کاهش طلاق» پرداخت. نتایج نشان دادند که در شرع مقدس اسلام، خانواده همواره مورد توجه بوده است؛ وجود آیات قرآنی، روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام در حوزه خانواده، گواهی محکم و متقن بر این ادعاست. قوانین ایران نیز که برگرفته از شرع اسلام است، خانواده را به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی ملاحظه نموده و قانون‌گذار در راستای حفظ قداست و استواری خانواده به تصویب قوانین پرداخته است. در عرف و شرع اسلام همواره طلاق، به عنوان امری منفور مطرح بوده است؛ ولی امروزه، افزایش آمار طلاق، نگرانی بزرگی را برای جامعه ایجاد کرده است. به گونه‌ای که تمام سازمان‌ها و افرادی که می‌توانند به کاهش طلاق کمک کنند، اقدام یا شروع به تلاش‌های گسترده‌ای در این راستا نموده‌اند. در مکاتب فکری، نسبت به خانواده، نگرش‌هایی متفاوت وجود دارد؛ برخی از نگرش‌ها خانواده را مذموم می‌شمرند و در صدد ستیزه با آن هستند. ولی نگرش‌های دیگری، اهمیت فراوانی برای خانواده قائل هستند. البته نگرش‌های حامی خانواده، بعضی فرد محوری و بعضی دیگر خانواده محوری را مبنای نظریات خود قرار داده‌اند. با بررسی‌های انجام گرفته نگرش اسلام بر خانواده محوری استوار است؛ پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن نگرش خانواده محوری، به عنوان نگرشی راهگشا در بهبود عملکرد قوانین و مؤثر در کاهش طلاق، قوانین مربوط به خانواده را مورد نقد و بررسی قرار داده، و راهکار حقوقی کاهش طلاق را تغییر رویکرد قوانین خانواده از فرد محوری به خانواده محوری می‌داند.

❖ زاهدی جواد حصاری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی «راهکارهای مقابله با طلاق از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با توجه به سبک زندگی اسلامی» پرداخت. هدف این مطالعه تأثیر سبک زندگی اسلامی و مدرن در پدیده طلاق است. سبک زندگی

مدرن آمار طلاق را افزایش و آمار ازدواج را کاهش داده است. سبک زندگی اسلامی چون براساس تفکرات و نگرش‌های دینی و براساس دستورات الهی شکل می‌گیرد، زندگی را بادوام تر می‌کند و می‌تواند در مقایسه با سبک زندگی مدرن، به طور چشمگیرتری از طلاق جلوگیری کند. نتایج حاصله از تحقیق نشان داد که سبک زندگی اسلامی تاثیر مفیدتر و بهتری در پیشگیری از طلاق و ازهم پاشیدگی بنیاد خانواده دارد ولی سبک زندگی مدرن آمار طلاق را افزایش داده و منجر به نابودی شخصیت اجتماعی و فرهنگی می‌شود. نوع منابع استفاده شده در این تحقیق، منابع فقهی و حقوقی است.

❖ موهبتی‌زاده و سهرابی‌افقو (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی «عوامل و موانع موثر در طلاق از دیدگاه اسلام» پرداختند. نتایج نشان دادند که همه ادیان الهی که هدفشان پاک نگاه داشتن جامعه و رهبری جوامع به‌سوی کمال بوده است بر امر ازدواج تاکید کرده‌اند و بیش از همه ادیان، دین مقدس اسلام به این امر توجه کرده است و پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده دستور می‌دهد. در این مقاله ضمن پرداختن به علل موثر قبل و بعد از ازدواج در فروپاشی نهاد خانواده، تدابیری در جهت پیشگیری و کاهش طلاق نیز در نظر گرفته شده است. امید است، توانسته باشیم گامی ناچیز در جهت زدودن این معضل اجتماعی برداشته باشیم

❖ عزیزی، ویسی، محمدی و فتحی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی «پیش‌بینی افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی» پرداختند. هدف از تحقیق حاضر بررسی نقش خانواده همسر و تمایز یافتگی زوجین در استحکام و یا فروپاشی زندگی زوجین است. این تحقیق از نوع مروری است که با بررسی منابع، مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه ارتباط زوجین و خانواده ها انجام گرفته بود، صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد روابط زوجین با خانواده ها را آسیب‌هایی نظیر مرزبندی‌های نادرست، انتظارات و توقعات نابجا، آزار و اذیت های کلامی و غیر کلامی، وابستگی ها و ... تهدید می‌کند که می‌تواند سایر جنبه

های زندگی زوجین را هم تحت تأثیر قرار دهد. خانواده‌هایی که خود را از این آسیب‌ها دور نگه میدارند.

❖ فاتحی‌زاده، بهجتی‌اردکانی و نصرافصفهانی (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی «تأثیر عوامل خانوادگی در پائین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد» پرداختند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری آن مشاورین خانواده و قضات خانواده شهرهای یزد، اردکان و میبد می‌باشد. برای انتخاب نمونه از مشاورین خانواده تعداد ۱۰ نفر مشاور خبره و با تجربه از شهرهای مذکور به صورت هدفمند انتخاب شدند. لکن به دلیل کم بودن قضات، هر چهار قاضی خانواده موجود در این شهر برای انجام مصاحبه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد، و با روش مقوله‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از پژوهش مشخص نمود عوامل خانوادگی شامل اعتقادات مذهبی، مداخله بزرگان فامیل، وابستگی زن به شوهر، الگوپذیری دختر از مادر، عدم حمایت خانواده از طلاق و حمایت اقتصادی والدین در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد موثر بوده است.

بخش دوم: روش پژوهش

روش مقاله حاضر، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است؛ و با استناد به منابع موجود در کتابخانه به گردآوری داده‌ها و اطلاعات پرداخته شده است.

بخش سوم: تعاریف و اصطلاحات

➤ طلاق: طلاق در لغت به معنی گشودن گره است (جوهری، ۱۴۱۰). در فقه اسلامی در تعریف طلاق گفته‌اند: طلاق عبارتست از زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص. همچنین به معنای ترک القوم و یا ترک الشیء است و لذا «طَلَّقَ الْقَوْمَ» به معنای «ترک القوم» می‌باشد. ظاهراً این شبیه همان چیزی است که در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است که خطاب به دنیا می‌فرماید: «غُرِّیْ غَبْرِیْ لَا حَاجَةَ لِی فِیکَ قَدْ طَلَّقْتُکَ ثَلَاثًا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۹) از نظر تعریف اصطلاحی، امروزه در حقوق ایران، طلاق ممکن است به حکم دادگاه یا بدون آن

واقع شود و در تعریف آن میتوان گفت: «طلاق عبارت است از انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده او» (امامی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۷۶). از نظر ماهیت حقوقی، در فقه اسلامی و قانون مدنی طلاق یک ایقاع است که از سوی مرد یا نماینده او واقع می‌شود، و حتی در مواردی که طلاق براساس توافق زوجین و به صورت خلع یا مبارات صورت می‌گیرد باید آن را یک عمل حقوقی یک جانبه (ایقاع) به شمار آورد زیرا توافق زوجین که شرط یا انگیزه طلاق می‌باشد غیر از خود آن است (صفایی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳). همچنین در طلاق یک بحث در طلاق دهنده یا «مُطَلَّق» است که رکن اصلی طلاق است و یک بحث در ما يحصل من طلاق المُطَلَّق. در مُطَلَّق شروطی باید وجود داشته باشد از جمله اینکه باید بالغ باشد و الا طلاق او صحیح نیست.

➤ خانواده: برای تعریف بهتری از خانواده باید به لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین مراجعه کنیم. چه منبعی بهتر از دو لغت نامه فارسی جامع که شامل شرح و معنی واژگان زبان فارسی هستند. این لغت‌نامه‌ها، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع لغات فارسی هستند. خانواده از نگاه اسلام و آموزه‌های دینی، نهادی مقدس، سازمانی حرکت آفرین، ساحلی برای آرامش و بستری برای رشد و تربیت، جایگاه پیشرفت مادی و معنوی و تجلی‌گاه شکوفایی و بالندگی است. در نگاه تعالیم سازنده اسلام، خانواده کانونی مقدس، مبارک و مورد رضایت حق تعالی تلقی شده و مورد ستایش و تمجید خداوند متعال قرار گرفته است. قرآن کریم درباره آرامش و اطمینان‌بخشی خانواده و همسر می‌فرماید: از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع و جنس خود، همسرانی آفرید تا در کنار آنان (در خانواده) به آرامش و سکون نیل پیدا کنند و بین آنان دوستی و رحمت قرار داد (روم: ۲۱).

بند اول: موجبات طلاق

اصلی‌ترین موجب طلاق را می‌توان، طلاق به درخواست مرد دانست، زیرا قانون مدنی در ماده ۱۱۳۳ اصلاحی، تصریح نمود که مرد می‌تواند، با رعایت شرایط مقرر در قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. ماده ۱۱۳۳ ق.م. مقرر داشته: «مرد می‌تواند هر وقت

که بخواهد زن خود را طلاق دهد» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۹). این مبتنی بر فقه اسلامی است که اختیار طلاق را اصولاً به دست مرد داده است. باید توجه داشت که طلاق در اسلام امری ناپسندیده است و مرد مسلمان نباید از روی هوی و هوس و بدون دلیل موجه اقدام به طلاق زن خود کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۵۶). به دیگر سخن «اسلام با طلاق سخت مخالف است، اسلام می‌خواهد تا حدود امکان طلاق صورت نگیرد؛ اسلام طلاق را به عنوان چاره جویی در مواردی که چاره منحصر به جدایی است تجویز کرده است» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۶). با توجه به قوانین مزبور و محدودیت اختیار مرد در طلاق، ماده ۱۱۳۳ ق.م. در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به شرح زیر اصلاح شد: «مرد می‌تواند بارعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید» (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۴۵۶). اما باید دانست که زن نیز بر اساس قانون، در موارد خاصی، می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. براساس تبصره الحاقی ماده ۱۱۳۳ ق.م. در برخی موارد زوجین برای تسهیل و تسریع طلاق می‌توانند با شرایط خاصی درباره طلاق توافق نمایند (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۶). در مورد تقاضای طلاق از سوی زن بدین صورت است که زن نیز می‌تواند طبق ماده‌های قانونی زیر درخواست طلاق نماید:

- غیبت شوهر بیش از چهار سال (مفقود الاثر شدن): بنا به ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی «هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر باشد، زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص ۹۴).
- خود داری یا عجز شوهر از دادن نفقه: ماده ۱۱۲۹ ق.م. نیز متذکر شده است: «در صورت استکفاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق نماید؛ همچنین در صورت عجز شوهر از دادن نفقه» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۷).
- عسر و حرج: براساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی در صورت عسر و حرج، زن می‌تواند تقاضای طلاق کند. «در صورتی که ادامه زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۱،

ص ۳۵۶). چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوج به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

■ طلاق توافقی: در طلاق خلع و مبارات زن مالی به شوهر می‌دهد و از این راه موافقت او را برای طلاق جلب می‌کند. طلاق خلع براساس کراهت زن واقع می‌شود و مالی که در آن زن به شوهر در ازای طلاق می‌دهد ممکن است به اندازه مهر یا کمتر یا بیشتر از آن باشد مواد ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷ ق.م. بحث تفصیلی از خلع و مبارات و مسائل مربوط به آن در مبحث اقسام طلاق خواهد آمد. بعضی از حقوقدانان (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۸؛ شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷) گفته‌اند: در فقه امامیه و قانون مدنی طلاق با توافق پیش بینی نشده است؛ زیرا طلاق ناشی از اراده مرد و حق و اختیار اوست و رضایت یا عدم رضایت زوج به نمی‌تواند اثری در موضوع داشته باشد. پس نه در فقه و نه در قانون توافق زوجین از موجبات طلاق به شمار نیامده و در فقه و قانون مدنی طلاق با توافق متصور نیست.

بند دوم: راهکارهای مدیریت کاهش طلاق از منظر فقهی

راهکارهای مدیریت کاهش طلاق در فقه: لذا جهت ارائه نظری حقوقی در خصوص زاویه‌ای مغفول مانده در قانون لازم است مبانی فقهی آن را مورد بررسی قرار داد تا بتوان نهایتاً حکمی منجز در خصوص آن صادر نمود؛ شارع مقدس همواره بر حفظ رابطه زوجیت تاکید بسیاری داشته و روش‌هایی جهت جلوگیری از گسستن این رابطه هم در مرحله قبل ازدواج و نیز بعد ازدواج مورد مذاقه قرار داده است که بدان پرداخته خواهد شد.

بند سوم: راهکارهای مدیریت کاهش طلاق قبل از ازدواج

انتخاب همسر براساس هم کفو بودن: کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است به نحوی که در مسئله ازدواج تا حدی باید از نظر ظاهر و باطن بین دختر و پسر شباهت وجود داشته باشد (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۶).

مهمترین مرحله شباهت، باید در چهره دینداری جلوه کند به این معنا که به فرهنگ پاک حق، مؤمن هم کفو مؤمنه، و دین دار شبیه و مانند دیندار است. و در جای دیگر می‌فرماید:

«وقائکحوا ما طاب لکم من النساء (نساء: ۳)؛ پس با زنان پاک ازدواج کنید». این پاکی در زنان و مردان در مرحله اول پاکی و پاکیزگی باطن است، که عبارت از ایمان به خدا و قیامت و نبوت و قرآن و ملائکه و متخلق بودن به اخلاق حق است.

لزوم تحقیق و تفحص: برای ایجاد شناخت در ازدواج تحقیق از فرد و خانواده اش ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در ازدواج، دو نوع تحقیق وجود دارد که عبارتند از:

۱- تحقیق اولیه؛

۲- تحقیق اصلی.

■ تحقیق اولیه مختصر است و قبل از اجازه گرفتن برای خواستگاری از سوی خانواده

پسر و پیش از اجازه دادن به خواستگار، به وسیله خانواده ها انجام می شود

■ تحقیق اصلی پس از خواستگاری و جلسات گفتگوی پسر و دختر انجام می شود؛

زیرا این تحقیق برای رفع ابهامات است و ابهامات به طور معمول پس از گفتگو

ایجاد می شود. انجام تحقیقات اولیه به طور کامل درست نیست زیرا:

۱- ممکن است پسر پس از جلسه اول، پاسخ منفی دهد؛

۲- ممکن است دختر پس از دیدن پسر و گفتگوی اولیه به او جواب منفی بدهد؛

۳- تحقیقات اولیه از تحقیق کننده وقت زیادی می گیرد (همان).

تحقیق به شیوه ترکیبی: بهترین راهی که می توان برای شیوه تحقیق پیشنهاد کرد، روش ترکیبی «مشاوره» به علاوه «هنجاری» است. این روش دو گانه به طور سنتی در جامعه ما معمول بوده است و امروزه نیز با گسترش و سازمان یافتگی بخش اول، باید آن را تکمیل کرد.

بند چهارم: راهکارهای مدیریت کاهش طلاق بعد از ازدواج

در اسلام موقعیت ویژه ای دارد، شارع، اراده طرفین عقد ازدواج را محدود کرده است تا بدین وسیله حیات اجتماع را که در گرو حیات خانواده به عنوان سلول اولیه اجتماع است تضمین کند. در این مبحث در ذیل چند بند مجزا به بررسی راهکارهای مقابله باطلاق در فقه امامیه بعد از ازدواج پرداخته خواهد شد. نهادن حق طلاق به عهده مرد: در روایات درباره حق طلاق روایات متعدد و متنوعی در کتابهای معتبر روایی به چشم می خورد که برای سهولت بررسی می توان آنها را در سه دسته کلی طبقه بندی کرد:

روایات جواز طلاق توسط مرد: خطاب بن مسلمه می گوید: بر امام کاظم (ع) وارد شدم و می خواستم از بدخلقی همسرم نزد او شکایت کنم. امام بر من پیشی گرفت و فرمود: یک بار پدرم زن بداخلاقی را به همسری من در آورد و من از این امر نزد او شکایت کردم. پدرم فرمود: چه چیز مانع جدایی تو از او می شود؟ خداوند اختیار آن را به تو واگذار کرده است. پس با خود گفتم: گره از کار من گشودی. امام صادق (ع) فرمود: دعای سه گروه به سوی خودشان بازگردانده می شود: یکی از آنها مردی است که علیه همسرش دعا می کند حال آنکه نسبت به او ظلم کرده است، پس به او گفته می شود: آیا امر زن به دست تو قرار داده نشده است؟ (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ص ۵۴۶).

روایات نهی اختیار طلاق به دست زنان: امام صادق (ع) درباره زنی که در ازدواج با مردی با او شرط کرده بود نزدیکی و طلاق به دست زن باشد فرمود: با سنت مخالفت کرده و حق بر کسی سپرده شده است که اهلیت آن را ندارد. حضرت حکم کرد که مهریه بر عهده مرد و نزدیکی و طلاق به دست او باشد و سنت چنین است. وقتی از امام صادق (ع) سؤال شد که نظر شما درباره مردی که اختیار طلاق را به همسرش سپرده چیست؟ فرمود: اختیار به کسی سپرده شده است که اهلیت آن را ندارد و این فرد با سنت مخالفت کرده است و چنین ازدواجی صحیح نیست (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۶۴).

روایات تخییر: در روایات شیعی غیر از طلاق که به انحلال نکاح می انجامد، احادیثی با عنوان تخییر وجود دارد که بنا بر برخی روایات می تواند همان اثر طلاق را داشته باشد. در تخییر، مرد همسر خود را بین ادامه زندگی مشترک یا پایان دادن زناشویی مخیر می کند و چنانچه زن جدایی را انتخاب کند به مجرد انتخاب زن، نکاح بدون نیاز بر اجرای صیغه طلاق از سوی مرد، خود به خود پایان می پذیرد. در مذاهب فقهی اهل سنت سپردن اختیار نکاح به زن به چند عنوان فرعی تر مانند تخییر، تفویض و امر بید تجزیه می شود. در هر حال احادیث تغیر ریشه در عملکرد پیامبر دارد. پیامبر همسران خود را بین بقای زندگی با او یا جدایی مخیر می ساخت. بیشتر فقهای شیعه بر این اعتقادند که تغیر راهی مستقل برای انحلال نکاح نیست و پیشنهاد مرد به زن برای انتخاب، در صورتی که زن جدایی را انتخاب کند هیچ اثر حقوقی و شرعی ندارد بلکه این حکم مخصوص پیامبر بوده است.

وجود شرایط سخت در هنگام اجرای صیغه طلاق: برخی از شرایط اجرای صیغه طلاق عبارتند از زمان طلاق، حضور شاهدین و اینکه طلاق باید در طهر غیر موانعه باشد. همچنین بعضی از جهات طلاق که در آیات به آنها تصریح نشده است اما عرف عقلا و روایات به آنها دلالت دارند عبارت است از اینکه طلاق نیاز به لفظ خاص و انشاء دارد که این مطالب مستفاد از سنت و عرف با امضای شارع است.

زمان صحت طلاق: یکی از مباحث در شرایط طلاق که از آیات قرآنی استفاده می شود زمان طلاق است که طلاق در چه زمانی واقع می شود؟ در زمان طهر و حیض طلاق صحیح نیست؛ این شرایط به احوال زن بر می گردد که از شرایط طلاق است.

خداوند در قرآن کریم در این باره چنین فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ (طلاق: ۱)؛ ای پیامبر چون زنان را طلاق گویند در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گویند و حساب آن عده را نگه دارید».

حضور دو شاهد عادل هنگام اجرای طلاق: شرایط اجرای صیغه طلاق عبارتند از:

- ۱- با صیغه شرعی عربی صحیح طلاق را جاری کند؛
- ۲- طلاق در حضور دو شاهد عادل واقع شود؛
- ۳- طلاق در حال غضب و عصبانیت وحدت نباشد؛
- ۴- طلاق دهنده بالغ باشد؛
- ۵- طلاق دهنده عاقل باشد؛
- ۶- طلاق دهنده مختار باشد و مجبور و مکره نباشد؛
- ۷- طلاق دهنده ملتفت و متوجه باشد نه مست و خواب و در بیهوشی؛
- ۸- طلاق دهنده طلاق را در پاکی و طهری که در آن دخول نموده جاری سازد؛
- ۹- زنی را که طلاق می دهند از حیض و نفاس پاک باشد.

بند پنجم: راهکارهای مدیریت کاهش طلاق از منظر حقوقی

الزامی شدن کلاس های قبل از ازدواج: الزامی شدن کلاس های قبل از ازدواج: امروزه دختران و پسران جوان در آستانه ازدواج با بهره گیری از خدمات مشاوره ازدواج می توانند با گام های

راسخ تر و آرامش و اطمینان بیشتری در راه پر پیچ و خم ازدواج و تشکیل خانواده گام نهند و در نهایت در این امر موفق باشند (نقیبی، ۱۳۹۰، ص ۴۶).

پیش بینی نهاد داوری و دخالت ریش سفیدان: ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱ به شرح ذیل می باشد. در کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۵۶۴).

بخش چهارم: نتایج و یافته‌ها

بند اول: پیشگیری از طلاق در جمهوری اسلامی

در ایران نیز قانونگذار اقداماتی را برای تبدیل طلاق از حالت ساده که صرفاً یک تشریفات در دست مرد است به فرآیندی با تشریفات خاصی در حقوق خانواده انجام داده است. پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و پس از آن، تحولات مختلفی در این حوزه رخ داد که بررسی آن‌ها روشن می شود که چه چالش‌هایی در این حوزه به وجود آمده است (مهرپور، ۱۳۷۹، ص ۱۴). قانون حمایت از خانواده مصوب فوریه ۱۹۷۴؛ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از خانواده مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴. قانون تشکیل دادگاه‌های مدنی ویژه، مصوب اکتبر ۱۹۷۹؛ قانون اصلاح قانون طلاق در آبان ۱۳۷۱ به تصویب رسید. ماده ۳ قانون حمایت از خانواده به دادگاه اجازه می دهد از مددکاران اجتماعی و غیره به تشخیص دادگاه استفاده کند. در ماده ۵ این قانون آمده است: «به درخواست هر یک از طرفین، دادگاه مکلف است موضوع مورد اختلاف را به استثنای اصل نکاح و طلاق به موجب شرایط داوری مندرج در دادگاه به یک تا سه داور ارجاع دهد. قوانین.» ماده ۶ این قانون وظایف داوران را تشریح می کند: «داور (داوران) سعی می کند بین طرفین سازش پیدا کند و در صورت عدم ایجاد تغییر نظر خود را در مورد ماهیت دعوی کتباً به اطلاع طرفین می رساند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، لایحه دادگاه ویژه در اول تیرماه ۱۳۵۸ به تصویب رسید. در ماده ۱۹ این قانون آمده است: «پس از تصویب این قانون در بین قضات و وکلای کشور در خصوص قانون حمایت از خانواده مصوب بهمن ماه ۱۳۵۳، کاملاً منسوخ شده است یا قسمت هایی از آن به قوت خود

باقی است و اگر حاوی مواد غیر منسوخ باشد چیست؟ اختلاف شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ص ۲۳۱؛ طاهری، بی تا: ص ۵؛ کاتوزیان، ۱۳۷۵: ص ۴). متعاقباً در ۷ مرداد ۱۳۷۱ قانونگذار به عنوان تنها ماده در مجمع تشخیص مصلحت نظام قانونی را تصویب کرد که براساس آن هر درخواست جدایی زوجین باید به دادگاه مدنی ارائه شود. در ماده واحده آمده است: «از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، زوجینی که مایل به طلاق و جدایی هستند باید برای حل اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی کنند».

بند دوم: پیشگیری از طلاق در لایحه

در این لایحه جهت حفظ کیان خانواده تلاش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مشکلات و اختلافات خانوادگی برای حفظ حریم خانواده تا حد امکان از دیگران پنهان بماند. ماده ۱۰ این لایحه مقرر می‌دارد که موضوع ابلاغ از مقررات خدمت در دادرسی مدنی مستثنی است. در این ماده آمده است: «اعلام به دادگاه خانواده ممکن است از طریق پست، فکس، تلفن، ایمیل یا هر وسیله دیگری که دادگاه خانواده صلاح بداند باشد». «اصالت اطلاعیه همیشه بر عهده دادگاه است»

۱- القاعده از بازگشایی جلسات بدون دلیل موجه منع شده و برای قاضی رسیدگی کننده تخلف انتظامی تلقی می‌شود، اما این لایحه به دو اعاده دادرسی اجازه می‌دهد تا زمینه صلح و سازش را برای زوجین فراهم کند. در ماده ۱۱ این لایحه آمده است: «به درخواست زوج یا یکی از آنها، دادگاه می‌تواند به منظور ایجاد فرصت صلح و سازش، جلسه رسیدگی را حداکثر تا دو بار به تعویق بیندازد».

۲- رسیدگی به اختلافات خانوادگی، علت یابی و ارائه راه حل برای حل اختلاف، از یک سو نیازمند فرصت‌های کافی و از سوی دیگر، تخصص خانوادگی و روانشناسی جنسی است. ماده ۷: قوه قضائیه موظف است به منظور تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی بویژه طلاق و تلاش برای صلح و سازش، ظرف سه سال از تاریخ انعقاد قرارداد، مرکز مشاوره خانواده راه اندازی نماید. تصویب این قانون همراه با غذاهای خانوادگی. "

۳- ماده ۱۸: «در نظام‌های حقوقی که در آن مراکز مشاوره خانواده راه‌اندازی می‌شود، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با تعیین موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر مراکز مشاوره خانواده را جلب کند».

۴- ماده ۱۹: «مراکز مشاوره خانواده در هنگام ارائه خدمات مشاوره، درخواست دادگاه را در موعد مقرر اجرا و در موارد مربوطه به توافق می‌رسند. در صورت توافق توافقی نامه تنظیم می‌کنند در غیر این صورت نظر کارشناسی خود را کتبا و با دلیل به دادگاه ارائه می‌کنند. اعضای این مراکز مشاوره باید در زمینه‌های مختلف از جمله خانواده، روانشناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و نیز مبانی حقوق اسلامی متخصص باشند. ضمناً حداقل نیمی از اعضای هر مرکز باید زن باشند که یکی از نقاط قوت این لایحه مربوط به مراکز فوق‌الذکر است، اما ایجاد مراکز تخصصی توسط قوه قضائیه نیز علیرغم وجود مراکز تخصصی مورد تایید قوه قضائیه یکی است

۵- ماده ۲۶: «ثبت طلاق و سایر دلایل فسخ نکاح در دفاتر رسمی فقط پس از صدور گواهی عدم امکان سازش یا رأی قضایی مربوطه یا گواهی مرکز مشاوره خانواده مبنی بر رضایت مجاز است. از زوج." علاوه بر اقدامات مراکز مشاوره، بر اساس ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده، دادگاه نیز مکلف به حل اختلاف بین زوجین و ارجاع موضوع به داوری در این مرحله می‌باشد. بدیهی است یکی از وظایف اصلی داوران رسیدن به سازش بین طرفین است که به نوبه خود می‌تواند در جلوگیری از طلاق موثر باشد.

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام شده به این نتیجه رسیدیم که راهکارهای مدیریت کاهش طلاق از نظر فقهی و حقوقی می‌توان به رویکردهای زیر تقسیم کرد. نتایجی که از این تقسیم‌بندی به دست آوردیم به شرح ذیل است:

- در هنگام اختلاف، با تشکیل محکمه خانوادگی: توجه به نقش خویشان به عنوان حکم نیز قابل تأمل است؛ وجود حکم به عنوان داوری دلسوز که با در نظر گرفتن مصلحت زوجین

سعی در برقراری صلح و آشتی در زندگی زناشویی را دارد به دلیل اینکه معمولاً ایشان از گذشته زوجین باخبرند و نسبت به آینده آنان نگران و دغدغه‌مند، معمولاً رهنمودهایشان مبتنی بر اطلاعات کافی و رعایت مصلحت زوجین است.

- در هنگام طلاق؛ با رعایت شرایط و مراحل طلاق در بررسی مراحل طلاق این نکته به نظر میرسد که اسلام تا آخرین مرحله سعی در جلوگیری از انحلال خانواده‌ها و را داشته است، مانند وجود شاهدانی عادل که شاید بتوانند زوجین را طلاق منصرف کنند.

- بعد از طلاق، عده طلاق رجعی و تأثیر آن در کاهش طلاق، اسلام همچنین با وضع احکام خاص و تکالیف خاص نسبت به مطلق و مطلقه در دوران عده زمینه بازگشت را به زندگی فراهم آورده است؛ شرایطی همچون سکونت در منزل شوهر تا پایان عده، چگونگی رجوع در طلاق رجعی و جواز آرایش کردن و زینت کردن زن در ایام عده، همگی قابل تأمل هستند گویا هنوز زن در زوجیت مرد قرار دارد و با اندک تمایل مرد، به زندگی مجدد باز می‌گردند

- وجود محلّل در طلاق سوم؛ نیز هشدار برای مردان است تا عجلانه همسر خود را طلاق ندهند زیرا وجود محلّل یا همان ازدواج زن با مرد دیگری مخصوصاً با قید روابط زناشویی برایشان سخت و گران خواهد بود و اصلاً ممکن است شوهر دوم هیچ‌گاه زن را طلاق ندهد.

- حرمت ابدی در طلاق نهم؛ نیز تهدیدی برای مردان است که اگر با آمدن دو محلّل، برای بار نهم قصد طلاق داشته باشند برای همیشه زن برای ایشان حرام می‌شود.

قبل از ازدواج: در روایات ما از سوی ائمه (علیهم‌السلام) اکیداً توصیه شده در انتخاب همسر توجه و دقت لازم صورت بگیرد و فردی که تصمیم به ازدواج دارد، همسر هم کفو برای خود انتخاب نماید. توجه به اینگونه روایات در کاهش طلاق موثر خواهد بود. فقها کفایت در اسلام را در سه عنصر، اسلام، ایمان و تمکن زوج در پرداخت نفقه میدانند، ولی آنچه در کفایت مورد اجماع فقهاست، اسلام زوجین است. از کلام فقهای امامیه معلوم می‌شود، ایمان غیر از اسلام است.

توجه به نجابت و اصالت خانوادگی و عمل کردن به توصیه‌های اسلام: در خصوص ازدواج نکردن با کسانی که دارای مشکلات رفتاری مانند، بدخلقی، شرب‌المخمر، فسق و ترک الصلاه

هستند نیز راه گشاه است؛ بدخلقی و نداشتن سعه صدر در زندگی از جانب هریک از زوجین که باشد زندگی را بر دیگری سخت می کند.

بعد از ازدواج: با انجام وظایف متقابل زن و مرد نسبت به یکدیگر با تأکید بر توصیه های اخلاقی، بعضی از این وظایف مشترک بین مرد و زن است مانند اظهار محبت، از پیامبر گرامی (ص) روایت شده که فرمودند: این سخن مرد به زن که: "دوستت دارم"، هرگز از دل زن، بیرون نمی رود. بعضی وظایف مختص به مردان است مانند پرداخت نفقه که موجب دور شدن زن از محیط های خشن اجتماعی و به طبع آن حفظ لطافت و آرامش روحی او می شود. بعضی وظائف مختص زنان است مانند انجام وظایف زناشویی در راستای تحکیم خانواده. از جمله چیزهایی که باعث تحکیم بنیان خانواده می شود رعایت مستحبات و ترک بعضی اعمال است که در روایات ما به آن اشاره شده است. رعایت یک سری وظایف واجبه اگر از طرف زوجین هم رعایت نشود شرع طرفین را ملزم به رعایت آن می کند ولی چیزی که اهمیّت دارد رعایت نکات ظریفی از جانب زوجین است که به استحکام خانواده کمک میکند؛ مانند روایاتی که جهاد زن را حسن تبعل معرفی می کند. در یک نتیجه کلی می توان گفت هر اندازه در زندگی زناشویی، ایمان و اعتقاد زوجین قوی تر باشد، زندگی پایدارتر، و ماندگارتر خواهد بود. همانطور که در روایات، به ازدواج با کسانی که باتقوا، عقیف و دارای حسن خلق هستند، توصیه شده است.

نهایتاً با توجه به نتایج حاصل از مقاله حاضر، با وجود کاستی های موجود پیشنهاداتی به شرح ذیل مطرح می شود:

۱- الزامی شدن ارجاع امر به مراکز مشاوره توسط محاکم خانواده و شوراهای حل اختلاف؛

۲- حذف صلاحیت شوراهای حل اختلاف در رسیدگی به پرونده های راجع به انحلال نکاح؛

۳- قرار گرفتن موضوع طلاق توافقی در حوزه صلاحیت محاکم خانواده یا تعیین ضمانت اجراء برای توافقات زوجین در مراکز مشاوره خانواده در مورد طلاق های توافقی؛

- ۴- شکستن سکوت از مقررات لایحه در موارد شیربها، هدایای نامزدی نامزدها به یکدیگر یا دیگران به نامزدها، امکان یا عدم امکان حکم به پرداخت خسارات معنوی ناشی از به هم خوردن نامزدی، مرجع صالح برای تعیین قیم در مورد اموال و اولاد غایب مفقودالاثر و نیز مرجع صالح برای رسیدگی به بزه، ترک انفاق، بحث اجرت المثل و نحله (با توجه به عدم کفایت وجود تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ ق.م. که به موضوع طلاق بی ارتباط است) اجاره رحم و تعیین تکلیف صریح راجع به هزینه‌های نشر آگهی؛
- ۵- رفع ایرادات موجود در بحث صلاحیت به خصوص اشکال برقراری صلاحیت عرضی بین شورای حل اختلاف و دادگاه خانواده؛
- ۶- رفع ابهام از موارد دارای ابهام مثل بند ۴ ماده ۴؛ بحث صلاحیت در مورد شرایط ضمن عقد نکاح در مورد مشروطه ثالث؛ همچنین به این سؤال جواب داده شود که آیا رسیدگی‌های کیفری در محاکم خانواده تابع آیین دادرسی کیفری و نیازمند صدور کیفر خواست است؟
- ۷- تبیین چگونگی معافیت رسیدگی‌های دادگاه خانواده از تشریفات دادرسی‌های مدنی؛
- ۸- عدم انحصار بحث حضانت به دوران طفولیت با توجه به فتوای صریح امام خمینی.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. قران
۲. امامی، حسن، حقوق مدنی، ج دوم، چ چهارم، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۸۶
۳. باریکلو، علی، حقوق مدنی، عقود مشارکتی و توثیقی، چ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶
۴. بحرانی، شیخ یوسف، الحقائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، تحقیق محمدتقی ایروانی، موسسه النشر الاسلامیه التابعه لجامعه المدرسین، چاپ اول، ۱۳۷۷ق.
۵. بروجردی عده، محمد، حقوق مدنی، کلیات، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۰
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸

ب) منابع عربی

۱. اب، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز، فی شرحمختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسی حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم- ایران، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ۱۲ جلد، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دارالفکر للطباعة و الشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۵. احسائی، ابن بی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیه، ۴ جلد، دار سید الشهداء، للنشر، قم- ایران، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

